

## توقان تروریسم در کابل

حوادث و رویداد های سیاسی، نظامی، اجتماعی و اقتصادی در کشور عزیز ما افغانستان که در هر شب و روز به وقوع می پیوندد، ابطال روش ها و سیاست های حامد کرزی رییس جمهور افغانستان در قبال اوضاع نابسامان میهن ما را قدم به قدم به اثبات میرساند. بخصوص، سیاست های غیر منطقی و غیر ملی وی در قبال اعمال ویرانگرانه دشمنان سوگند خورده داخلی و خارجی ملت بجان رسیده ی افغانستان نزد همه گان ثابت شده است. اینکه آقای کرزی چه خواب و خیالی در مورد گروه های تروریستی و آینده کشور دارد، روشن نیست و یا اینکه حکومت دشمن کیش پاکستان و تروریست های دست پرورده آن چه جذبه و افسونی دارند که حامد کرزی روز تا روز شیفته و شیدای آنها میشود، باز هم کس نمیداند.

رییس جمهور افغانستان در جریان هفته اول همین ماه، در حالیکه در اجتماعی از فارغان یک انستیتوت اداری در کابل سخنرانی میکرد، باز هم، شاید برای صدمین بار خطاب به گروه تروریستی طالبان، به شیوه عذر آمیز و "برادرانه" یی گفت که " بیایید از جنگ دست بکشید، افغانستان را خراب نکنید، چرا که افغانستان کشور شماس است. "، ولی در جریان همان روز و یا یکروز بعد تر از آن، همین به اصطلاح " صاحبان افغانستان" یا " د افغان بچیانو" باز هم قیامتی از شلیک موشک و خمپاره و گلوله در نقاط مختلف شهر کابل بر پا کرده و جان بیش از بیست انسان بیگناه ما را گرفتند و ده ها انسان دیگر را زخمی و خانواده های آنها را عزا دار نمودند.

این، نخستین عکس العمل گروه تروریستی طالبان در برابر تقاضای عاجزانه و غیر منطقی کرزی نبوده و آخرین آن هم نخواهد بود، بلکه، این گروه بیرحم، خونریز، جنون زده و مزدور تاحال، در مقابل هر تقاضا و هر زاری و کرنش رییس جمهور، واکنش های قاطع و خونین از خود نشان داده اند.

پیرامون حملات اخیر گروه تروریستی طالبان، البته سواها و سوطن زیادی در میان مردم افغانستان و آگاهان سیاسی وجود دارد که همه تا کنون بی پاسخ مانده اند. مثلاً، مردم با تعجب می پرسند که هرگاه هزارها سرباز " آیساف"، اردو، پولیس و افراد اطلاعاتی داخلی و خارجی با برخورداری از وسایل مدرن رهیابنده و شناسایی کننده مانند کمره های خود کار، دوربین های حساس و بالون مجهز با وسایل دیده بانی بر فضای شهر و همچنان، کمر بند امنیتی و ده ها امکان و آماده گی دیگر غرض حفاظت از شهر و شهروندان کابل، چطور و چگونه عناصر تروریست میتوانند خود شان و سلاح های ثقیل و خفیف شان را به سهولت از کمر بند امنیتی به درون شهر و باز، در داخل عمارات و اماکن مشخص و مورد نظر خویش انتقال میدهند؟ این چه دلیل دارد که امریکا و قوای بین المللی، با آنکه میدانند و میگویند که گروه های تروریستی از آن سوی مرز بد داخل خاک افغانستان غرض کشتار و خرابکاری فرستاده میشوند و حتا از پایگاه ها و

مخفیگاه های تروریسم در مناطق مشخص خاک پاکستان نام می برند، ولی، هیچ اقدام جدی و مؤثر به منظور نا بودی پایگاه ی مذکور و یا جلوگیری از ورود گروه های تروریست بخاک افغانستان بعمل نمی آورند؟ این چه معجزه و معماست که مقامات امریکایی ملیاردها دالر به کیسه حکومت مداران ملکی و نظامی پاکستان می ریزانند، ولی هیچگاه این شعبده بازان سیاسی و دیپلماتیک را بخاطر تروریست پروری های عریان شان توبیخ و سرزنش نمی کنند؟ و بالاخره اگر پاکستانی ها در این زمینه اصلاح نا پذیر هستند، چرا امریکا و شورای امنیت سازمان ملل، موضوع را مورد بحث جدی قرار نداده و تعزیرات اقتصادی علیه آن وضع نمیکنند؟ تعزیراتی که تا حال در برابرتعدادی از رژیم ها عملی شده است . چگونه است که رژیم سی ساله صدام حسین صرفاً به اتهام همکاری با القاعده نه تنها قهرماً سرنگون ساخته میشود، بلکه ریسمان دار را هم به گردنش می اندازند و هستی اش را میگیرند، ولی رهبران پاکستان، با وجود آنکه تروریسم را پیوسته تقویت میکنند و تروریستها را درپناه خود می گیرند و عملاً موجب کشتار های وحشیانه در افغانستان و منطقه میشوند، به سر شان دست کشیده میشود، کیسه های گشاد شان از دالر و دینار مملو میگردد و هیچ نوع تهدید و توبیخی هم در حق شان روا داشته نمیشود؟

ما، تردیدی نداریم که هنوز بقایای افراد و عناصر شریر، جاسوس، خود فروخته و مزدور درمیان تشکیلات دولتی و چهار چوب اردو و پولیس افغانستان وجود داشته و دارند که یکی از احتمالات نفوذ گروه های تروریستی بداخل شهر، شاید همکاریهای همین عناصرخاین به وطن و مردم باشد، ولی اگر چنین هم باشد، آیا تفتیش و تصفیة دقیقانه اردو و پولیس، از وظایف مبرم مقامات نظامی و امنیتی کشور نیست؟

رخ دیگر این سکه را حضور سنگین سربازان خارجی با تمام زرق و برق جنگی و اطلاعاتی شان در افغانستان تشکیل میدهد و ظاهراً یکی از دلایل عمده و روشن حضور این نیرو ها در خاک افغانستان، عبارت از تأمین امنیت جانی و مالی شهروندان این کشور است . پس، آیا اندوخته های ده ساله نیرو های خارجی و تجارب ناشی از حملات بی وقفة انتحاری و تروریستی، هنوز هم نتوانسته آنان را هشیارتر و آماده تر از پیش بسازد؟ مردم افغانستان در عین حال، برداشتهای خود شان را نیز از اوضاع جاری دارند و آن اینست که میگویند تا زمانیکه نیرو های خارجی در برنامه ریزی چنین حملات خونین دست نداشته و یا با چنین اعمال تروریستی توافق نسبی نداشته باشند، تکرار و استمرار آن، آنهم بگونه افتضاح آمیز، ممکن نخواهد بود.

تاجایی که آشکار و مبرهن است، رژیم سلطنتی عربستان سعودی، نه تنها در جریان سالهای اخیر، بلکه در درازنای چندین سال، حامی و تمویل کننده مدارس مذهبی پاکستان و گروه تروریستی جلال الدین حقانی و پسرش (سراج الدین حقانی) در وزیرستان شمالی و میرامشاه میباشند. پس چرا امریکا و سازمان ملل، رژیم سعودی را بخاطر این کارنامه ها و برنامه های خطرناک مذهبی و تروریستی اش مأخذه و محکوم نمیکنند؟ چرا ظرف ده سال اخیر، نه تنها از تعداد هزار ها مدرسه تروریست ساز و تروریست پرور پاکستان کاسته نشد، بلکه تعداد شان روز تا روز افزایش هم یافت؟ چرا همین امریکا، هنوز هم بخش عمده بودجه شبکه استخبارات نظامی پاکستان ( آی . اس . آی ) را می پردازد ؟ مگر نه آنست که پاکستان هنوز هم موجود نازدانه، دست پرورده و ابزار مؤثر استعماری امریکا و انگلستان در منطقه است؟

روی همین دلایل و ده ها نکته دیگر است که مردم افغانستان، علی رغم آنکه مصیبتها دیده و جفا ها کشیده اند و پیوسته در آتش فقیر و نا مرادی میسوزند، با استعداد ذاتی بی که دارند حقایق را هر قدر که پنهان هم نگهداشته شوند، به زودی درک کرده و روی آن داوری میکنند.

حال که قرار است باز هم کنفرانس دیگری را بنام " کنفرانس دوم بن " به زودی در خارج از افغانستان و چپ از نظر ملت افغانستان دایر نمایند، دیده شود که شعبده بازان بین المللی از درون چانته های اسرار آمیز و غرض آلود شان چه تحفه های استعماری دیگری برای مردم درد مند افغانستان بیرون خواهند کشید و سرنوشت این آب و خاک را چگونه رقم خواهند زد ؟

بلی ! تا زمانیکه ملت نجیب افغانستان جراثیم جنایت زای دیروزی و امروزی را از میان جامعه طرد نکنند و تا آنگاه که با فرزندان پاک طینت، آگاه و فداکار خویش، در تعیین سرنوشت خود شان و میهن آبایی شان سهم فعال مبارزاتی نگیرند، وضعیت چنین خواهد بود که گفته آمد. ( پایان )